



درازمند

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسان سویدان از روحانیون لبنانی است که از دیرباز در حوزه علمیه قم حضور و از نزدیک با طلاب لبنانی در این حوزه آشنایی کامل دارد. آقای سویدان به هنگام حضور آقای سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله در حوزه علمیه قم، در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ از نزدیکان ایشان بوده و از مراحل تحصیل و مشکلاتی که فرا راه ایشان بروز کرد و مانع ادامه حضور ایشان در حوزه علمی قم شد، آگاهی دارد. شاهد یاران فرصت را مغتنم شمرد و با حجت الاسلام والمسلمین سویدان گفت‌وگویی را انجام داد که از نظر تان می‌گذرد:

«رهبر حزب الله و حوزه علمیه قم» در گفت‌و شنود شاهد
یاران با حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسان سویدان

در آغاز بحث، خواهشمند است درباره مدارس لبنانیها در حوزه علمیه قم توضیح دهید؟

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، چیزی به نام مدرسه یا حوزه علمیه مخصوص لبنانیها در چهارچوب حوزه علمیه قم وجود نداشت. تعداد طلاب لبنانی حوزه علمیه شهر مقدس قم اندک بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به دلایل گوناگون که مهم ترین آنها را ذکر می‌کنم، این وضع تغییر یافت. این علل عبارتند از:

۱. کاهش امکانات تحصیل طلاب علوم لبنانی در حوزه علمیه نجف اشرف که مادر حوزه‌های علمیه جهان تشیع به شمار می‌رفت و سابقه هزار ساله دارد.
۲. امیدوار شدن جوانان شیعه به حوزه علمیه قم در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.

در پی پیروزی انقلاب، طلاب لبنانی به تدریج عازم حوزه علمیه قم شدند تا از علوم و معارف سرشار اهل بیت (ع) سیراب شوند. در سالهای نخست برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران، تعداد طلاب لبنانی در حوزه علمیه قم افزایش یافت. آن روزها برخی از اندیشمندان و علمای بزرگ لبنانی از جمله علامه محقق «سید جعفر مرتضی عاملی» در صدد تأسیس مدرسه‌های برآمدند تا حوزه علمیه و مرکز طلاب علوم دینی لبنانی باشد. به همین دلیل «منتدی جبل عامل الاسلامی» تأسیس شد. این مرکز از ۲۴ سال پیش تاکنون فعالیت دارد و مرکز اصلی طلاب لبنانی است. آیا مدارس دیگری هم وجود دارند؟ گفته میشود که بستگان امام موسی صدر هم در حوزه علمیه قم مدرسه داشته‌اند. آقای سید جعفر مرتضی عاملی قبل از اینکه این مدرسه را تأسیس کند، حدود ده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم حضور داشت. ایشان زود هنگام حوزه علمیه نجف اشرف را ترک گفت و به شهر مقدس قم مهاجرت کرد. آقای مرتضی روابط گسترده‌ای با مراجع تقلید و مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم برقرار کرد. روابط ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با مسئولان نظام و روحانیون بزرگی چون آیت الله مشکینی و آیت الله موسوی اردبیلی و دیگران گسترش یافت.

در حقیقت قبل از اینکه علامه سید جعفر مرتضی عاملی «منتدی جبل عامل» را در سال ۱۳۶۴ تأسیس کند، مدرسه واقعی و سازمان یافته‌ای برای طلاب لبنانی در حوزه علمیه قم وجود نداشت. برخی از علمای لبنانی یا ایرانی همچون مرحوم سیدرضا صدر و دیگران خانه‌هایی را اجاره می‌کردند و به عنوان خوابگاه در اختیار طلاب لبنانی قرار میدادند، زیرا تعداد طلاب لبنانی اندک بود و بیشترشان مجرد بودند. فراموش نکنیم که در گذشته، علمای بزرگ لبنانی همچون علامه محقق مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه به قم می‌آمدند و چند روزی را در حوزه علمیه می‌گذراندند. آنان بیشتر در دارالتبلیغ اسلامی تدریس می‌کردند. وابستگی صنفی و خانوادگی طلاب لبنانی چگونه است؟ آیا این طلاب از خانواده‌های روحانی بودند، یا همچون علامه مجاهد سید حسن نصرالله از اقشار عادی و علاقمند به تحصیل علوم

«سید» به طلاب لبنانی حوزه قم انسجام داد...

سیدحسن نصرالله هم یکی از بزرگانی است که عشق به فراگیری علوم دینی داشت، در حالی که ایشان از خانواده روحانی نیست.

انگیزه ایشان چه بود؟

برای پاسخ به این پرسش، لازم می‌دانم که به موقعیت جبل عامل اشاره کنم. جبل عامل در جنوب لبنان از صدر اسلام پایگاه تشیع بوده است. همان‌گونه که میدانید ریشه تشیع مردم جبل عامل، به تبعید صحابی جلیل القدر «ابوذر غفاری (ره)» به این منطقه باز می‌گردد. در حقیقت ایشان بنیانگذار تشیع در جنوب لبنان بوده است. در تاریخ آمده است که جنوب لبنان و منطقه صالحیه در غرب دمشق، پس از مدینه منوره، از نخستین مراکز انتشار تشیع در جهان اسلام بوده‌اند. ابوذر غفاری از یاران با وفای حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) بوده که در زمان خلیفه سوم به این منطقه تبعید شد.

جبل عامل همواره پایگاه و پناهگاه خوبی برای گسترش علوم و معارف اهل بیت (ع) و جهاد در راه خدا با دشمنان خدا بوده است. مردم این سرزمین همواره به دو محور گرایش داشته‌اند. جهاد و فراگیری علوم اهل بیت (ع).

براین اساس می‌توان گفت که جبل عامل زادگاه علما و مکاتب بزرگ فکری بوده است. به طور مثال شهر بیلاقی «جزین» که اکنون بیشتر جمعیت آن را مسیحیان تشکیل میدهند، زادگاه «شهید اول محمدبن مکی عاملی» صاحب «المعة الدمشقیه» بوده است. دختر گرامی شهید اول هم از زنان مجتهد آن روز بوده است. در کتب تاریخ آمده است، هنگامی که دختر شهید اول وفات یافت، حدود ۷۰ مجتهد جامع الشرایط از جبل عامل در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند. این نشان می‌دهد که گرایش مردم جبل عامل به فراگیری علوم دینی بسیار گسترده و فراگیر بوده است. شکی نیست که این گرایش و علاقمندی در نتیجه پیروی معنوی مردم این سامان از مولای متقیان حضرت علی ابن

دینی بودند؟
آنان از قشرهای مختلف جامعه لبنان بودند. اغلب خانواده‌های روحانی لبنان، فرزندانشان را به حوزه‌های علمیه اعزام می‌کردند. خانواده‌های لبنانی بسیاری همچون «آل صادق»، «آل شرف‌الدین»، «آل فقیه» و دیگران فرزندانشان را برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌ها اعزام میکردند. از نسل جدید خانواده علمای شیعه لبنان هم دو یا سه نفر از فرزندان در حوزه سرگرم تحصیل هستند. اما فراگیری علوم دینی هرگز محدود به این خانواده‌ها نبوده است و بسیاری از جوانان متدین لبنانی، از هر قشر و نسلی علاقمند بودند که وارد حوزه‌های علمیه و از علوم و معارف اهل بیت (ع) بهره‌مند شوند. اکنون امار و ارقام نشان می‌دهند که بسیاری از طلاب علوم دینی و علمای بزرگ از خانواده‌های روحانی نبودند.

نسخه اول

در ماههای اول آمدن به قم، او می‌خواست همه وقت خود را صرف فراگیری علم کند و با برخی از طلاب لبنانی قرار گذاشت که در کلاس درس علمای مشهور شرکت کند. او تنها در کلاسهای درس فقه و علم اصول شرکت نمیکرد، بلکه در دروس تفسیر قرآن آیت الله جواد آملی نیز حضور می‌یافت.



شخصیت بزرگ ایرانی به نام «شهید مصطفی چمران» بود. آن روز جنبش محرومان لبنان (امل) تأسیس شد. پس از ناپدید شدن امام صدر تحولاتی در جنبش امل و در صحنه سیاسی لبنان بروز کرد. تأسیس حزب الله به عنوان یک جنبش جهادگر و پیرو «ولایت فقیه» و مرجعیت جامع الشرایط، آگاه و دانا به امور زمان یکی از این تحولات بود. حزب الله با رهنمودهای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) به وجود آمد. با تأسیس حزب الله لبنان و پس از یورش اسرائیل به لبنان، مرحله جدیدی از مبارزات شیعیان لبنان آغاز شد. در پی این رویداد، مبارزات شیعیان لبنان با دشمن صهیونیستی ابعاد تازه و روند جدیدی به خود گرفت، ابعاد فکری و اعتقادی این مبارزه عمیق تر شد و جایگاه مردمی مبارزه بیش از گذشته گسترش یافت. از این بحث نتیجه می‌گیریم، نهالی که امام شرف‌الدین و امام موسی

ایطالاب (ع) و عشق به او بوده است. محقق بزرگ مرحوم «سید محسن امین عاملی (ره)» در این باره گفته است که یک پنجم از نسل اخیر علمای شیعه را علمای جبل عامل تشکیل می‌دهند. این درحالی است که تعداد شیعیان جبل عامل ۵٪ شیعیان جهان را تشکیل می‌دهد. از نظر کیفیت، علمای جبل عامل نیازی به معرفی ندارند. از شهید اول گرفته تا شهید ثانی تا محقق کرکی که مفتی دولت صفویه بوده است تا شیخ بهایی و حرعاملی و صداهاتن از این بزرگان که آثار ارزشمندی از آنان در شهر اصفهان برجای مانده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اندیشه شیعی در جنوب لبنان احیا شد. میزان آگاهی علمی و گرایش فکری و دینی شیعیان جنوب لبنان را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در ابتدا لازم می‌دانم از برخی از شخصیت‌های بزرگ شیعی معاصر تجلیل و قدردانی کنم. این شخصیت‌ها نقش ارزنده‌ای در زمینه گرایش جوانان به فراگیری علوم دینی و در عین حال جهاد، در منطقه جبل عامل و سرتاسر لبنان داشته‌اند. در تاریخ معاصر دو شخصیت بزرگ، تأثیر ارزنده و برجسته‌ای در شکوفایی و احیای جایگاه شیعیان لبنان و فراهم آوردن زمینه احیای نقش شیعیان و تفکر دینی آنان داشته‌اند. یکی از این شخصیت‌ها امام «سید عبدالحسین شرف‌الدین (رض)» است. ایشان نهضت ضد استعماری را بر ضد اشغالگران فرانسوی در لبنان رهبری کرد. امام شرف‌الدین نه فقط در لبنان که در بسیاری از مناطق جهان عرب مبارزات ضد استعماری را رهبری کرد. به طور مثال «همایش وادی الحجیر» با ابتکار عمل ایشان برگزار شد. در این همایش ایشان راههای مبارزه با اشغالگران فرانسوی را سازماندهی کرد. شخصیت دوم لبنانی که نقش بزرگی در روند مبارزات جهادی گسترش علوم دینی داشت، امام موسی صدر است. ایشان به تأسیس برخی از مدارس علوم دینی در لبنان از جمله «مرکز پژوهش‌های اسلامی» شهر صور در جنوب لبنان اقدام کرد. بسیاری از علمای امروز در آن مدرسه درس خوانده‌اند. امروز بیشتر بهرمان جنبش جهاد و مقاومت در لبنان از آن مدرسه فارغ التحصیل شده‌اند، مقدمات را در آن مدرسه فرا گرفتند و سپس به حوزه علمیه نجف اشرف و شهر مقدس قم انتقال یافتند.

سید حسن، نوجوان ترین طلبه لبنانی حوزه نجف اشرف بود، در کلاسهای دروس عالی شهید صدر شرکت می‌کرد. او از طریق شهید سید عباس موسوی که از برجسته‌ترین فرزندان مکتب شهید سید محمد باقر صدر بود به این مکتب پیوست. سید عباس به محض ورود سید حسن به حوزه نجف اشرف، او را با آغوش باز پذیرفت، زیرا به نبوغ استثنایی و زود هنگام او و عشق و استعداد و توانمندی نامتعارف او پی برده بود. بر این اساس سید عباس موسوی، بنا به توصیه شهید سید محمد باقر صدر، مسئولیت تربیت و آموزش و سازندگی فکری و علمی سید حسن نصرالله را برعهده گرفت. گاهی هر دو به محضر شهید صدر می‌رسیدند و از سید عباس موسوی نقل شده است که شهید سید محمد باقر صدر در یکی از این جلسات به نبوغ فکری و ویژگی سید حسن پی برده بود، می‌توان گفت که نخستین هسته فکری و فرهنگی و علمی سید حسن نصرالله از راه آشنایی و دوستی با سید عباس موسوی و حضور در درس شهید فقید سید محمد باقر صدر تبلور یافت و آفتقهای زندگی، جهاد و مبارزه را در برابر او گشوده شدند.

جنوب لبنان بیش از شش دهه است که از تجاوزگری صهیونیستها و حضور اندیشه‌های کمونیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی و گروههای گوناگون فلسطینی رنج می‌برد و از نظر اقتصادی هم در محرومیت کامل قرار دارد. آیا می‌توان گفت که همه این عوامل به سید حسن نصرالله انگیزه داد تا برای دگرگونی وضع موجود در جنوب لبنان به نجف هجرت کند و علم و دانش فرا گیرد؟

بی تردید! هنگامی که سید حسن نصرالله همچون تعداد اندکی از دانش پژوهان علوم دینی لبنان عازم نجف اشرف شد، اهداف و آرمانهای درازمدتی در ذهن و اندیشه او نهفته بود و به آینده

صدر در جنوب لبنان گام نهادند و مهم تر از آن تحول چشمگیر و سرنوشت سازی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تاریخ تشیع و اسلام روی داد، نقش برجسته و اثر چشمگیری در احیای اندیشه دینی و فکری شیعیان لبنان داشت. در حقیقت بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران که احکام فقه تشیع را زیر سایه رهبری امام خمینی (ره) اجرا می‌کند، برای شیعیان لبنان جاذبه‌های فراوانی داشت. شیعیان لبنان با این انقلاب اصالت خود را باز یافتند و انقلاب اسلامی ایران را با جان و دل پذیرا شدند. با این وصف مقاومت ضد صهیونیستی شیعیان لبنان ابعاد گوناگونی به خود گرفت. شکی نیست که حزب الله را علمای بزرگی همچون شهید سید عباس موسوی و شیخ رابع حرب و علمای شهید دیگری بنیانگذاری کردند. این نشان می‌دهد که در هر مرحله از مبارزات شیعیان لبنان، علمای بزرگ دین و مراجع تقلید نقش اساسی ایفا کرده‌اند. بزرگانی که جنبش مقاومت را رهبری کرده‌اند، از پشتوانه‌ها و وابستگیهای فکری و دینی و اعتقادی مردم پاسداری می‌کنند.

سایر علمای لبنانی چه تأثیری در تبلور فکری آقای نصرالله قبل از عزیمت ایشان به حوزه علمیه نجف اشرف داشته‌اند؟ هرآنسانی تحت تأثیر بزرگانی قرار می‌گیرد که در آن محیط زندگی می‌کنند. آقای سید حسن نصرالله که خداوند ایشان را حفظ کند، در لبنان زندگی کرده و فضای تأسیس مقاومت ضد صهیونیستی را شاهد بوده است. ایشان قبل از عزیمت به نجف اشرف، در جنبش امل عضویت داشت و به جهاد در راه خدا و مبارزه با اشغالگران صهیونیست عشق می‌ورزید. در نجف هم با سید عباس موسوی آشنا شد و خداوند شرایط را برای او فراهم کرد تا با شهید سید محمد باقر صدر آشنا شود که آن روز پرچم جهاد را در برخی از کشورهای عربی در دست داشت. با آن که

درباره گرایش فکری و جهادی امام موسی صدر، نسل معاصر ایشان را خوب می‌شناسد. امام صدر بنیانگذار اولین تشکیلات واقعی شیعه در لبنان بوده است. اولین تشکیلات جهادی شیعه در جنوب لبنان بر ضد دشمن صهیونیستی نیز توسط ایشان به وجود آمد. آن روز تشکیلات و سازمانهای چپگرا و ناسیونالیست در جنوب لبنان فعال بودند. قبل از آمدن امام موسی صدر، شیعیان لبنان تشکیلات مستقل سیاسی نداشتند و جنوب لبنان میدان فعالیت وجولانگه احزاب و گروههای سیاسی کمونیستی و ناسیونالیست شده بود.

امام صدر آن روز بر ضد وضع موجود و اشغالگران صهیونیست قیام کرد. نباید فراموش کنیم که یکی از شخصیت‌های محوری که تشکیلات شیعیان لبنان را در کنار امام صدر رهبری می‌کرد، یک

پیام

تأسیس حزب الله به عنوان یک جنبش جهادگر و پیرو «ولایت فقیه» و مرجعیت جامع الشرایط، آگاه و دانا به امور زمان یکی از این تحولات بود. حزب الله با رهنمودهای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) به وجود آمد.

می‌نگریست، رویدادهای دو دهه گذشته، به روشنی این را ثابت کرده است که ایشان از جمله افرادی است که اهداف مقدسی را در ذهن خود ترسیم کرده بود. من به طور قطع و یقین تأکید می‌کنم که سید حسن نصرالله، انسانی به شدت آرمانخواه است و اهداف بلندی را در سر می‌پروراند. من می‌ایلم که در این گفتگو آرمانخواهی گسترده ایشان را به ثبت برسانم، زیرا افراد بسیاری که درباره شخصیت جهادی سید حسن نصرالله سخن می‌گویند، ویژگی آرمانخواهی او را فراموش می‌کنند.

از نظر نصرالله فراگیری علوم دینی یک گام است. او به گامهای بلندتری چشم دوخته بود. اگر شرایط برای او مساعد می‌شد، علاقه داشت در ردیف بزرگ‌ترین اندیشمندان و مراجع حوزه علمیه قرار گیرد. با توجه به شناختی که از استعدادهای بالقوه و بالفعل و امکانات فکری او دارم، اگر ایشان درس را ادامه می‌داد،

چه بسا ممکن بود که تا اوج مرجعیت شیعه صعود کند. کسانی که در نجف اشرف معاصر او بوده‌اند، نقل می‌کنند که ایشان در مدت کوتاهی مدارج علمی بلندی را پشت سر گذاشت. متأسفانه فرصت برای ادامه تحصیل فراهم نشد و مدت حضور ایشان در حوزه نجف اشرف کوتاه بود و از دو سال فرا تر نرفت و در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه رژیم بعث عراق از حوزه نجف اخراج شد و به حوزه علمیه شهر بعلبک انتقال یافت. چند سالی نگذشته بود که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و روحانیون بزرگی همچون شهید سید عباس موسوی و شهید شیخ رابع حرب و دیگران شیفته انقلاب و امام خمینی شدند و تحت تأثیر ایشان قرار گرفتند، اما دیری نپایید که دشمن صهیونیستی به لبنان حمله کرد و بخش مهمی از این کشور را به اشغال خود در آورد. اینجاست که سید حسن نصرالله با همفکری استاد خود سید عباس موسوی و دیگران در تأسیس حزب الله شرکت کرد. من تأکید می‌کنم که سید حسن نصرالله ویژگیهای روحانی و معنوی و فروتنی را از سید عباس موسوی به ارث برده است، زیرا سید عباس از روحانیت و معنویت سرشاری برخوردار

بود. تردیدی نیست که ویژگی جهادی و علمی و معنوی سید عباس نیز به سید حسن منتقل شده است. سید عباس ضمن داشتن ابعاد روحانی و معنوی، انسانی ایتارگر و فداکار بود. سید حسن نیز حرکت جهادی خود را از زمان حیات سید عباس آغاز کرد. نصرالله در اوج یورش صهیونیستها و نیروهای چند ملیتی غربی به لبنان، ضمن حضور در میان مردم و میدانهای رزم و آموزش نظامی، در مجالس و اجتماعات فکری و راهییماییها شرکت میکرد و در مناسبتهای گوناگون، از جمله در ماه رمضان به ایراد سخنرانی و بیان مسائل سیاسی میپرداخت. در تأیید میزان توجه آقای نصرالله به فراگیری علوم دینی لازم میدانم به این نکته اشاره کنم که ایشان پس از آغاز فعالیت حزب الله و پس از اینکه دشمنان در درون طایفه شیعی مشکلاتی را برای حزب به وجود آوردند، توانست مسائل فراوانی را پشت سر بگذارد. او به حل بسیاری از مشکلات داخلی کمک کرد و اکنون به یکی از چهره‌های بزرگ سیاسی و دینی جهان اسلام تبدیل شده است. اکنون محافل بین‌المللی و منطقه‌ای و دانشگاهی جهان سرگرم بررسی پدیده حزب الله و مقاومت اسلامی و ابعاد شخصیت سید حسن نصرالله هستند. بدون شک دشمنان نمی‌توانند وجود چنین شخصیتی را که مانع از اجرای طرحهای آنان در منطقه می‌شود، تحمل کنند. آنان نمی‌خواهند مقاومت اسلامی لبنان که اکنون به سبیلی ویرانگر تبدیل شده است، و اهدا را ادامه دهد. انقلاب اسلامی ایران و مقاومت اسلامی لبنان، بستر این سیل هستند و کیان غاصب صهیونیستی

را ریشه‌کن خواهند کرد. در آغاز دهه ۱۹۹۰ و پس از آرامش نسبی لبنان، سید حسن نصرالله احساس کرد که همچنان تشنه علوم و معارف اهل بیت (ع) است. او توانست برادران خود را در شورای مرکزی حزب الله (بر خلاف اراده و خواست آنان) متقاعد کند و عازم شهر مقدس قم شود، زیرا میدانست که با فراگیری هر چه بیشتر علوم اهل بیت (ع) میتواند قویتر و با دست پر به میدان جهاد و مقاومت بازگردد تا مسئولیت خود را به نحو احسن ادامه دهد و این بار نقشی بین‌المللی را ایفا کند.

آمدن سید حسن نصرالله به حوزه علمیه قم با ماههای آخر پایان جنگهای داخلی لبنان مصادف بود. در آن برهه چه چیزهایی اندیشه و ذهن سید حسن نصرالله را به خود مشغول کرده بود؟



سید حسن نصرالله قبل از تصمیم برای آمدن به حوزه علمیه قم، حدود ده سال را در حزب الله گذرانده بود و از اوضاع و تحولات آن روز لبنان آگاهی کامل داشت. سید حسن حدود یک دهه در میدان کارزار و مقاومت لبنان جهاد کرده بود. مقاومت اسلامی از فکر و ذکر او دور نمی‌شد و اوضاع لبنان همواره خاطر او را به خود مشغول می‌کرد، زیرا او یکی از فرزندان لبنان و یکی از پدران و بنیانگذاران مقاومت اسلامی است.

به یاد دارم، جریاناتی که قصد داشتند ریشه مقاومت را در



من سید حسن نصرالله را در میان علمای هم سن و سال خود نسخهای بینظیر و نادر توصیف می‌کنم. اگر بخواهیم ابعاد شخصیتی، مدیریتی، عظمت، هوشمندی، فروتنی و استعداد او را در جهاد و فداکاری بررسی کنیم، بی‌تردید سید حسن نصرالله که خداوند او را حفظ کند در عصر حاضر یک شخصیت استثنائی است.

جیل عامل و جنوب لبنان بخشانند، کوشیدند در بیروت نیز همین نقش را بازی کنند. آن روز سید حسن نصرالله مسئول شاخه نظامی حزب الله در بیروت بود و تصمیم رویارویی با جریانات ضد مقاومت را شخصاً اتخاذ کرد، زیرا اعضای شورای مرکزی حزب الله برای دیدار از جمهوری اسلامی در تهران به سر میبردند. این تصمیم انفرادی و انقلابی سید حسن بود. زیرا او احساس کرده بود اگر هسته مقاومت در بیروت خفه شود و نیروهای حزب الله سرکوب شوند، ممکن است حزب الله تادهها سال دیگر کمر راست نکند. بنابراین تصمیم سرنوشت‌ساز گرفت و با پشتیبانی گروههای مقاومت توانست یورش عوامل ضد مقاومت را به مراکز و پایگاههای حزب الله در بیروت خنثی کند. حزب الله در این پایداری دهها شهید تقدیم کرد. ارتباط سید حسن نصرالله با اوضاع لبنان با آمدن او به قم قطع

نشد. با آن که وی در حوزه علمیه قم حضور داشت، اما اوضاع لبنان و حزب الله را با دقت پیگیری میکرد. او برای کسب دانش بیشتر و فراگیری بحث خارج فقه به قم آمد تا در کلاس درس شاگردان امام خمینی (ره) شرکت کند. او به قم آمد تا آگاهی، شناخت، معرفت و عرفان بیشتری کسب کند و بتواند جنبش مقاومت اسلامی لبنان را غنی سازد. من در آن مرحله با جناب دبیر کل حزب الله روابط نزدیکی داشتم و از این مسائل آگاهی دارم.

استاد ایشان کدام مراجع بودند؟

سید حسن نصرالله هنگام آمدن به قم به قم با مشکلی جدی مواجه شد که همواره آن رنج میبرد. او قصد داشت دو سه سالی را با خدای خود خلوت کند، دانش و عرفان بجوید و با روحی سرشار از علم و معرفت به بیروت بازگردد، ولی متأسفانه برخی از اعضای شورای رهبری حزب الله در بیروت سید حسن نصرالله را به حال خود گذاشتند و به او اجازه ندادند که به آرزوی دیرینه خود برسد. ویژگیها و توانمندیهای سرشاری که «سید» داشت به مسئولان جمهوری اسلامی و حزب الله اجازه نداد که از استعدادها و توانمندیهای او چشمپوشی کنند. در ماههای اول آمدن به قم، او می‌خواست همه وقت خود را صرف فراگیری علم کند و با برخی از طلاب لبنانی قرار گذاشت که در کلاس درس علمای مشهور شرکت کند. او تنها در کلاسهای درس فقه و علم اصول شرکت نمیکرد، بلکه در درس تفسیر قرآن آیت الله جواد آملی نیز حضور می‌یافت.

آیا سید حسن نصرالله در دروس عرفانی مانند درس آیت الله العظمی بهجت هم شرکت کرد؟

به این کلاسها، به طور نامنظم رفت و آمد میکرد. شرکت در دروس عرفانی نیز تأثیر به‌سزایی در تکوین گرایشهای الهی و عرفانی «سید» داشته است. سید حسن نصرالله به صورت نامنظم در بیشتر دروسهای بحث خارج فقه حوزه شرکت می‌کرد. به یاد دارم که در کلاسهای بحث آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سید کاظم حائری شرکت می‌کرد، اما در ارتباط با بحث آیت الله العظمی بهجت باید گفت که سید حسن نصرالله از ابتدای پیوستن به صنف طلبگی علاقه وصف‌ناپذیری به علمای «عارف» و «سالک» داشت. آیت الله العظمی بهجت از سالکان سرشناس حوزه علمیه هستند. به یاد دارم که سید حسن نصرالله همچنین سراغ آیت الله العظمی سید عبدالکریم کشمیری (ره) را می‌گرفت و در محضر ایشان حضور می‌یافت. پس از پایان مدت اقامت سید حسن نصرالله در حوزه علمیه قم و بازگشت به بیروت، هرگاه ایشان به ایران می‌آمد، از برادران مسئول می‌خواست که ملاقات او را با آیت الله العظمی بهجت و آقایان کشمیری و حسن زاده



نسخهای بینظیر و نادر توصیف می‌کنم. اگر بخواهیم ابعاد شخصیتی، مدیریت، عظمت، هوشمندی، فروتنی و استعداد او را در جهاد و فداکاری بررسی کنیم، بی‌تردید سید حسن نصرالله که خداوند او را حفظ کند در عصر حاضر یک شخصیت استثنائی است. این فرصت برایش فراهم شد که یکی از مجاهدان بزرگ فی سبیل الله باشد و وعده‌های الهی را تحقق بخشد. شمارش معکوس شکست و ناکامی رژیم صهیونیستی براساس وعده الهی به دست آقای نصرالله آغاز شده است. شکست رژیم غاصب فلسطین نخستین قبیله مسلمانان به دست مجاهدان راستینی که سید حسن نصرالله آنان را رهبری می‌کند، آغاز شده است.

یکی دیگر از ویژگیهای سید حسن نصرالله، جاذبه جادویی اوست. جاذبه آقای نصرالله به گونه‌ای است که دشمنان و مخالفان داخلی هنگام بحث و مناظره، شیفته او می‌شوند. تعدادی از مخالفان سیاسی او چنین اظهارنظری کرده‌اند. در میزگرد «گفتگوی ملی» که چند ماه پیش در لبنان جریان داشت و رهبران گروه‌ها و طوایف گوناگون لبنان در آن شرکت داشتند، دشمنان تاریخی شیعه و مخالفان سیاسی درجه اول آقای نصرالله، از اظهارات و بیانات وی شگفت زده شده بودند و چه بسا برخی از شخصیت‌های سیاسی که پیش تر مخالف آقای نصرالله بودند، اکنون موافق او شده‌اند. دستاوردهای عظیم

آملی تدارک ببینند. با علمای بزرگ دیگری که در عرفان و سلوک شهرت داشتند و ساکن تهران و مشهد بودند، ملاقات می‌کرد و اصول عرفان عملی و سلوک الی الله را از آنان جویا می‌شد. اطلاع دارم که آقای نصرالله رهنمودها و توصیه‌های عرفانی علمای بزرگ شیعه را اجرا می‌کرد. اینک در اوج لحظه‌های جهاد و مقاومت و در بزرگترین لحظه‌های پیروزی، فروتنی و عرفان آقای نصرالله به روشنی در چهره او نمایان است. شکی نیست که فروتنی نصرالله نتیجه مطالعه کتاب «چهل حدیث» امام خمینی (ره) و نتیجه آموزه‌هایی است که از عارفان و سالکان بزرگی همچون آیت الله العظمی بهجت و آقای سید عبدالکریم کشمیری دریافت کرده است.

علت بازگشت زود هنگام آقای نصرالله به بیروت چیست؟
از اقامت سید حسن نصرالله در قم چند ماهی نگذشته بود که طبق معمول، بحرانهای سیاسی لبنان دوباره آغاز شدند. مسئولان حزب الله به تهران و قم آمدند و خواهان بازگرداندن سید حسن نصرالله به بیروت شدند. او در ابتدای امر با بازگشت مخالفت کرد و هنگامی که شهید سید عباس موسوی از بازگرداندن نصرالله ناامید شد، به «سید» گفت که به این شرط اجازه می‌دهم که در قم بمانید که موضوع روابط حزب الله با جمهوری اسلامی ایران را اداره کنید. آقای نصرالله به اهمیت حساسیت این پرونده آگاهی کامل داشت، اما جز اینکه پیگیری این پرونده را بپذیرد، چاره دیگری نداشت و لذا این دستور را برخلاف میل درونی خود پذیرفت. پس از عهده‌دار شدن این مسئولیت، سید حسن نصرالله بیشتر اوقات خود را در تهران می‌گذراند و روابط حزب الله را پیگیری می‌کرد. او مرتباً به تهران می‌رفت تا مأموریت جدید خود را ادامه دهد. در روزهای آخر اقامتش در قم، مشاغل او آتشد زیاد شدند که از درس باز می‌ماند. برای او فرق نمی‌کرد که در قم زندگی می‌کند یا در لبنان. به هر حال پس از گذشت حدود دو سال اقامت در قم به این باور رسید که نمی‌تواند به طور منظم تحصیلات علوم دینی را ادامه دهد و در نتیجه تصمیم گرفت به لبنان بازگردد.

اکنون سطح علمی و عملی و فکری آقای نصرالله و توان رهبری را در مقایسه با بزرگان و شخصیت‌های اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من سید حسن نصرالله را در میان علمای هم سن و سال خود

اسلامی به گونه‌ای است که گویی نفسی از ولایت تکوینی ائمه اطهار (ع) در جسم و جان آقای نصرالله دمیده شده است. بسیاری از افراد غیر مسلمان شیفته او هستند. بسیاری از شهروندان غیر مسلمان لبنانی خانه‌هایشان در این جنگ خراب شدند، اما بردباری نشان دادند و لب به اعتراض نگشودند. آیا می‌توان گفت که نفس حسینی و عاشورایی در او دمیده شده است؟

شکی در این نیست. یاران سید حسن نصرالله از روحیه‌ای برخوردار هستند که جامعه اسلامی در زمان امام حسین (ع) چنین روحیه‌ای نداشت. مقایسه میان امام حسین (ع) و سید حسن نصرالله هرگز امکان‌پذیر نیست، اما نگاه کنید به ارزش رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان و افراد جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع). اکنون بسیاری از شهروندان مسیحی و اهل سنت در لبنان آن گونه که به آقای نصرالله اعتماد می‌کنند به رهبران سیاسی و طایفه‌ای خود اعتماد ندارند. در جامعه صهیونیستی هم همین طور است و صهیونیست‌ها می‌گویند که سخنان و مواضع آقای نصرالله را بیش از سخنان رهبران یاور دارند. این سخن افراد عادی نیست، سخن تحلیلگران است.

طلاب گوناگونی از کشورهای اسلامی در حوزه علمیه قم حضور دارند. رابطه آقای نصرالله با طلاب غیر ایرانی مانند پاکستانی، افغانی، عراقی و حجازی چگونه بود؟ اصولاً حضور دو ساله آقای نصرالله در قم چه تأثیری بر طلاب غیر ایرانی داشت؟
آقای نصرالله در مدت اقامت دو ساله‌اش در حوزه علمیه قم به برقراری روابط گسترده با طلاب غیر ایرانی توجه خاصی داشت. در ارتباط با طلاب لبنانی کوشید آنان را مستحجم و هماهنگ کند. روزی که آقای نصرالله به قم آمد تعداد طلاب لبنانی حدود ۳۰۰ تن بود.

حالا چند نفر هستند؟

در حال حاضر حدود ۱۷۰ طلبه لبنانی در حوزه علمیه قم حضور دارند. علت کاهش این رقم آن است که در شهرهای گوناگون لبنان حوزه‌های علمیه دایر شده است. طلاب لبنانی ترجیح می‌دهند که در حوزه‌های علمی کشورشان علوم اسلامی را فرا گیرند. آقای نصرالله در ابتدای ورود به قم کوشید برخی از اختلافات سیاسی میان طلاب لبنانی را بر طرف کند. بیشتر طلاب طرفدار حزب الله بودند، اما میان آنان انسجام و هماهنگی وجود نداشت. سید حسن نصرالله کوشید تا میان طلاب لبنانی قدیم و جدید حوزه ارتباط و هماهنگی به وجود بیاورد. او جلسات فرهنگی را برای آنان دایر کرد و از برخی از شخصیت‌های ایرانی دعوت شد تا برای طلاب لبنانی سخنرانی کنند. در آن مرحله آقای محتشمی پور و آیت الله مصباح یزدی دعوت شدند. آقای نصرالله با سایر طلاب خارجی حوزه علمیه قم نیز ارتباط برقرار کرد. نظر به اینکه دبیر کل حزب الله یک چهره حوزوی نبود و در حقیقت میهمان حوزه محسوب می‌شد، برخی از مدارس طلاب غیر ایرانی از ایشان دعوت می‌کردند تا در مناسبت‌های سیاسی سخنرانی کند. برای مثال، طلاب مدارس عراقی به مناسبت شهادت جمعی از روحانیون عراقی در عراق از آقای نصرالله دعوت کردند که برای آنان سخنرانی کند. سید حسن نصرالله افزون بر منسجم کردن طلاب لبنانی و طلاب کشورهای عربی، با طلاب پاکستانی و افغانی هم روابط دوستانه برقرار کرد و کوشید تجربه انقلاب اسلامی لبنان و تأسیس حزب الله لبنان را به آنان منتقل کند. هر چند طلاب کشورهای اسلامی حوزه علمیه قم از فضای جهاد و مقاومت فاصله ندارند. حضور سید حسن نصرالله در حوزه علمیه قم بیش از دو سال طول نکشید. با بازگشت ایشان به لبنان، حوزه علمیه قم یکی از مجاهدان بزرگ و راستین خود را از دست داد. او به پایگاه جهاد اصلی خود بازگشت. هنگامی که ایشان به لبنان مراجعت کرد، ما ابراز تأسف کردیم، اما اکنون که این پیروزیها و دستاوردهای حزب الله را در جهاد با دشمن صهیونیستی شاهد هستیم، احساس غرور و افتخار می‌کنیم. ■

هرگاه ایشان به ایران می‌آمد، از برادران مسئول می‌خواست که ملاقات او را با آیت الله العظمی بهجت و آقایان کشمیری و حسن زاده آملی تدارک ببینند. با علمای بزرگ دیگری که در عرفان و سلوک شهرت داشتند و ساکن تهران و مشهد بودند، ملاقات میکرد و اصول عرفان عملی و سلوک الی الله را از آنان جویا می‌شد.

آقای نصرالله برای اسلام و مذهب تشییع و مکتب جهاد در لبنان در دو سال اخیر، از عنایات و برکات الهی بوده است. تفاهمنامه‌ای که میان حزب الله و جریان آزاد ملی به امضا رسید، تأثیر به‌سزایی در آینده نظام سیاسی لبنان و روابط و مناسبات شیعیان و مسیحیان لبنان و تحولات منطقه خواهد داشت. ویژگی دیگر آقای نصرالله، جاذبه او برای مجاهدان مقاومت اسلامی از رده پایین تا نیروهای ارشد است که همگی گوش به فرمان او هستند. یک کلمه سخن از نصرالله، آنان را منقلب می‌کند. آنها لحظه به لحظه آماده ایثار و از جان گذشتگی هستند. جاذبه دبیر کل حزب الله برای رزمندگان مقاومت